

وضعیت‌شناسی علمی-آموزشی، صنایع و فنون در ایران دوره ساسانیان منتهی به ظهور اسلام

محمدجواد یآوری^۱، سید حامد نیازی^۲

چکیده

جهان قبل از اسلام در ابعاد مختلف از جمله علوم و آموزش، دچار تغییر گردیده و کاستی فرهنگی همانند شبه جزیره عربستان که قرآن به آن اشاره نموده است در نقاط مختلف جهان از جمله ایران، وجود داشت. با این حال، تصور برخی پژوهشگران آن است که ایران دچار این جاهلیت نبوده است. از طرفی، عدم انسجام در ارائه تصویری روشن در منابع تاریخی از نظام علمی-آموزشی و فنون و صنایع در ایران دوره ساسانیان منتهی به ظهور اسلام، جهت بررسی عالمانه و رسیدن به نتیجه مطلوب در حوزه مذکور و تحلیل روشنگرانه از این وضعیت، ضرورت چنین پژوهشی را دو چندان نمود. در بررسی فرضیه پژوهش با روش

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
javadyavai@yahoo.com

javadyavai@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی. (نویسنده مسئول)

seiyed_ha@yahoo.com

توصیفی-تحلیلی، ضمن تأیید عناصر مثبت، بر وجود ضعف‌ها و کاستی‌ها در بُعد علمی-آموزشی در ایران عصر ساسانیان، خاصه بازه ۱۰۰ تا ۱۵۰ ساله قبل از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (۴۵۰-۶۰۰ م) تأکید شده است و ریشه آن را در ساختار سیاسی منبعث از مؤلفه‌های جاهلی تأثیرگذار بر نظام اجتماعی ایران می‌داند.

کلیدواژه‌ها: ایران قبل از اسلام، ساسانیان، علوم، فنون و مراکز علمی، وضعیت علمی و آموزشی.

مقدمه

قرآن کریم بر حیات نامطلوب جزیره العرب قبل اسلام تأکید دارد.^۱ باید دانست که جهل یا در مقابل علم و علم کامل (کسی که حقیقت امر برایش مکشوف نیست)^۲ مطرح است یا در مقابل عقل، یعنی بی‌خردی و خالی بودن زندگی انسان از ارزش‌های عقلانی و معنوی؛ اما علت نام‌گذاری حیات جزیره العرب مقارن ظهور اسلام به جاهلیت، حاکمیت جهل به هر دو معنا بر زندگی آن روز است که اولی هم متأثر از بی‌خردی است. در نتیجه، باطل و سفاهت (بر غالب فعالیت) آنان مسلط بود نه حق و استدلال.^۳ باید دانست که شأن نزول آیات مخصص مفاد آن نیست و کلیت مفاهیم، فرازمانی و فرامکانی است و این جاهلیت اختصاص به جزیره العرب ندارد. همچنین نگارش‌سازی و نگرش‌سازی‌های تاریخی، چهره‌ای یک‌سویه و مبهم از ایران عصر ساسانیان را به نمایش گذارده است. از این‌رو، بازخوانی و بررسی نمودهای مذکور از جمله در نظام علمی-آموزشی ایران دوره ساسانیان خاصه مقارن ظهور اسلام (۴۵۰ - ۶۰۰ م) ظرفیت بررسی و تطبیق تاریخی دارد. مقصود از بررسی تاریخی بُعد علمی و آموزشی در ایران، جایگاه‌شناسی علم و عقل در کاربست فعالیت‌های حاکمیتی، مراکز آموزشی، دانش‌پژوهان، دانشمندان، آموزش، علوم و فنون است. مصادیق علوم مدنظر، مشتمل بر علوم عقلی، عرفانی و طبیعی است.

۱. آل عمران، ۵۴؛ مائده، ۵۰؛ احزاب، ۳۳؛ فتح، ۲۶.

۲. تاج‌الدینی، علی، فرهنگ جاودان‌المیزان، ص ۱۹۶.

۳. طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۴۰.

تحقیق پیش‌رو با تکیه بر متن‌های مذهبی دوره ساسانیان و کتاب‌های تاریخی و بررسی برخی تحقیقات معاصر مرتبط، اعم از مستشرقین و غیرمستشرقین و با تبیین و رویکردی جدید و واقع‌بینانه، به وضعیت علمی-آموزشی، صنایع و فنون ایران دوره ساسانیان خاصه عصر ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته است. مواد خام به صورت تطبیقی و نگاه جامع‌نگر، به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است و تحلیل داده‌ها با روش توصیفی و تحلیلی در دو ساحت «وضعیت علمی-آموزشی» و «معماری، فنون، صنایع» صورت گرفته است.

پژوهش‌های صورت گرفته درباره ایران عصر ساسانیان، غالباً به صورت تاریخ سیاسی-مذهبی و حاوی گزاره‌هایی از تاریخ اجتماعی است. کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان، به صورت پراکنده و کوتاه، برخی گزارش‌های مرتبط را ذکر کرده است که عبارت‌اند از: جمع‌آوری کتب علمی طب و نجوم و حکمت از هندی و یونانی و سایر السنه و الحاق آن به کتاب اوستا به دستور شاپور اول،^۱ کتاب تاریخ تمدن ایران ساسانی مرحوم نفیسی، در کنار توصیف برخی ابعاد نظام آموزشی و علم موسیقی، با تأکید بر استقلال و ترقی فنون دوره ساسانیان به مصادیق آن اشاره کرده است. کتاب دو قرن سکوت مرحوم زرین‌کوب، به صورت اجمالی به برخی گزاره‌های تاریخی در خصوص علم و دانش و نابودی آن‌ها با حضور سپاه جزیره در ایران، اشاره کرده است. برخی تحقیقات به صورت تک‌نگاری به جندی شاپور و نیز علم پزشکی پرداخته‌اند.

در مقاله «جایگاه جندی شاپور در مسیر فرهنگ و دانش ایرانی»^۲ ضمن پرداختن به جندی شاپور پس از اسلام، با استفاده از تحقیقات معاصر بر جایگاه علمی جندی شاپور در حرکت تاریخی اکتفا شده است. مقاله «دانشگاه جندی شاپور، یادمانی بزرگ از فرهنگ و تمدن ایرانی»^۳ با استفاده از منابعی نظیر سفرنامه‌ها و تحقیقات معاصر، ضمن اکتفا به مرکز علمی جندی شاپور، نگاهی مثبت‌انگارانه را منعکس کرده است. تحقیق پیش‌رو با نگاهی کل‌نگر و تقریری جدید، که وجه ممیزه آن با دیگر تحقیقات است، به وضعیت علمی-آموزشی، معماری، صنایع و فنون آن دوره پرداخته است.

۱. کریستین سن، آرتور امانوئل، ص ۱۵۱.

۲. ر.ک: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۲، ص ۹-۲۸.

۳. ر.ک: همان، ص ۲۹-۴۲.

۱. وضعیت علمی-آموزشی

در کتاب‌های تاریخی، وضعیت علمی-آموزشی ایران مقارن ظهور اسلام به صورت واضح و روشن توصیف نشده است، لذا محققان معاصر از واژه‌هایی مانند «مدارکی در دست نیست»،^۱ «ظن غالب این است»، «اطلاعات ما بسیار قلیل است»،^۲ «در باب علوم این دوره چیز زیادی نمی‌توان گفت»،^۳ و «کتبی که از دوره ساسانیان به ما رسیده، خیلی کم است»^۴ استفاده کرده‌اند. جهت توصیف و تحلیل وضعیت علمی-آموزشی، مباحث این بخش در دو محور اقدامات علمی-آموزشی و کاستی‌ها و ضعف‌ها مورد دقت تاریخی قرار گرفته است.

۱.۱. اقدامات علمی-آموزشی

با توجه به داده‌های تاریخی که از دوره ساسانیان برجای مانده است، به دست می‌آید که در این دوره، بحث آموزش‌های علمی محدود و منحصر به افراد خاص و در رشته‌های خاصی وجود داشته است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. تاریخ ۴۲۰ ساله علمی ایران دوره ساسانیان در متون تاریخی و تحقیقات معاصر، نوسانات گسترده‌ای دارد. تکریم دانشمندان از سوی مردم ایران در دوره مذکور،^۵ مهاجرت هفت دانشمند از آتن به ایران^۶ و سکونت دوساله در جندی شاپور^۷ که مورد ستایش فردوسی قرار گرفته است^۸ و اشتغال برخی زنان به تحصیل^۹ مواردی است که در تحقیقات معاصر بدون سند، ذکر و در متون اصیل یافت نشده است. برخی مستشرقین با استناد به متونی نظیر: آگانیاس، کتاب ۲، بند ۲۷؛ تئوفیلاکتوس، کتاب ۳، بند ۱۸ و ...، بر استفاده ساسانیان از سالنامه^{۱۰} آیین‌های بدیع در جنگ، هنرمندی در استعمال رنگ‌ها و آمیختن داروها، نظام و اداره ولایات،

۱. پیرنیا، حسن، ایران قدیم، ص ۲۶۰.

۲. کریستین سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۰۴.

۳. پیرنیا، حسن، ایران قدیم، ص ۲۶۰.

۴. همان، ص ۲۵۹.

۵. زرین کوب، ج ۱، ۵۳۹، ۱۳۹۲؛ زرین کوب، ۲۴۰، ۱۳۷۸.

۶. کریستین سن، ۴۱۵، ۱۳۸۷؛ زرین کوب، ۲۶۳، ۱۳۷۸؛ دریایی، ۱۰۴، بی تا.

۷. زرین کوب، ۲۶۴، ۱۳۷۸.

۸. فردوسی، ج ۲، ۱۶۷۱-۱۸۲۴، ۱۳۸۶.

۹. بارتولومه، ۴۲، ۱۳۳۷.

۱۰. کریستین سن، ۷۲، ۱۳۸۷.

انشای رسایل و مقاله‌ها^۱ تأکید دارند. در برخی موارد هم بدون ذکر سند، ادعا شده است که شاپور اول، کتب علمی طب و نجوم و حکمت را از هندی، یونانی و سایر زبان‌ها گرفت و به کتاب دینی اضافه کرد و صحیح‌تر آن است که گفته شود، کتب الحاقی نتیجه قرایح دانشمندان ایرانی بود که تحت‌تأثیر نفوذ یونانی نگاشته شده بود.^۲

همچنین ادعای رشد علم موسیقی در عصر ساسانیان^۳ و شکل‌گیری عصر طلایی موسیقی در عصر خسرو دوم^۴ نه از روی علم‌دوستی ساسانیان که به‌دلیل انحرافات رفتاری پادشاهان ساسانی بود که در متون تاریخی منعکس شده است.^۵ تنها دینوری (م ۲۷۶ق) درباره خسرو اول می‌نویسد:

میان پادشاهان ایران هیچ‌کس از انوشیروان بیشتر در طلب علم کوشا نبود و خود جامع فنون ادب و حکمت بود. ادیبان و حکیمان را به خود نزدیک می‌ساخت و قدر و منزلت ایشان را می‌شناخت. بزرگ‌ترین دانشمندان روزگار او بزرگمهر، پسر بختکان بود که از حکیمان و خردمندان نامی ایران است و انوشیروان او را بر عموم امیران و علمای روزگار خود برتری می‌داد.^۶

از دیگر مواردی که در متن‌های کهن منعکس شده است عبارت‌اند از: تأکید بر ثواب گسترده تربیت شاگردان در متون دینی زرتشت^۷، استفاده از کلیله‌ودمنه^۸، توجه به علم نجوم به‌دلیل استفاده ساسانیان^۹ و آموختن علم طب از پزشکی هندی توسط مردم شوش.^{۱۰} به نظر می‌رسد تأکید برخی مورخان و محققان معاصر بر مرسوم بودن استفاده

۱. کریستین سن، ۱۶۱ و ۱۶۲، ۱۳۷۴.
۲. همان، ۱۵۱، ۱۳۸۷.
۳. زرین‌کوب، ۲۷۳-۲۷۵، ۱۳۷۸.
۴. همان، ج ۱، ۵۲۴، ۱۳۹۲.
۵. مسعودی، ج ۱، ۲۳۹، ۱۳۷۴.
۶. دینوری، ۱۰۰، ۱۳۹۰.
۷. روایت پهلوی، ۹، ۱۳۶۷.
۸. دینوری، ۱۱۵، ۱۳۹۰.
۹. طبری، ج ۲، ۶۱۳-۶۱۴، ۱۳۶۲.
۱۰. مسکویه، ج ۱، ۱۴۲، ۱۳۸۹.

از اطبای غیرایرانی و غیرزرتشتی نظیر طبیب هندی،^۱ اطبای یونانی^۲ و مسیحی^۳ به دلیل نیاز ساسانیان به طبابت بوده است.

آموزش های ابتدایی به صورت کلی در دست روحانیون بود و فقط جنبه دینی داشت.^۴ آموزش، محدود به برخی درباریان بود و از مریبان غیرایرانی استفاده می شد. تربیت برخی پادشاهان ساسانی در دوره کودکی نزد عرب^۵ و آموزش محورهای چهارگانه^۶ (نوشتن، تیراندازی، فقه و شکار)^۷ نزد اساتید رومی، ایرانی و عربی^۸ و بازگشت به ایران^۹ در راستای رویکرد مذکور در نظام آموزشی ارزیابی می شود. نتیجه اینکه ساسانیان با رویکردی کاربردی، تعلیم برخی علوم نظیر موسیقی، نجوم، اسب سواری، تیراندازی، فقه و شکار را به بعضی افراد دربار اجازه می دادند.

۲.۱. کاستی ها و ضعف ها

بررسی کاستی ها و ضعف ها در حوزه مذکور، مستلزم تقسیم بندی منطقی آن در قالب ساختار و معرفت است. منظور از ساختار، شکل و قالب نظام علمی-آموزشی و کنش ها به ابزارهای آموزشی و علمی است و منظور از نظام معرفتی، رویکردها و بینش ها به علم و آموزش و محتوای نظام علمی-آموزشی است. در ادامه به مهم ترین انحرافات ساختاری و معرفتی نظام علمی-آموزشی اشاره می شود.

از انحرافات ساختاری، عدم تعریف جایگاه برای دانشمندان در نظام طبقاتی تأسیسی ساسانیان بود^{۱۰} به طوری که گاهی در پایین ترین طبقه (طبقه بذله گویان و دلچکان) نیز

۱. مسکویه، ج ۱، ۱۴۲، ۱۳۸۹.

۲. زرین کوب، ۲۶۳، ۱۳۷۸.

۳. بیکرمان و دیگران، ج ۳، ۹۵، ۱۳۸۹.

۴. کریستین سن، ۴۰۴، ۱۳۸۷.

۵. یعقوبی، ج ۱، ۱۹۹-۲۰۰، ۱۳۸۷.

۶. مسکویه، ج ۱، ۱۴۵، ۱۳۸۹؛ طبری، ج ۲، ۶۱۴-۶۱۵، ۱۳۶۲؛ بلعمی، ج ۱، ۶۳۷-۶۳۹، ۱۳۷۸.

۷. در متن های تاریخی قرن های اولیه هجری، در گزارش تاریخی، از واژه فقه استفاده شده است و نه واژه حکمت (ر.ک: طبری، تاریخ طبری، مترجم ابوالقاسم پاینده، ج ۲، ص ۶۱۴-۶۱۵).

۸. مسکویه، ج ۱، ۱۴۲، ۱۳۸۹؛ طبری، ج ۲، ۶۱۴-۶۱۵، ۱۳۶۲؛ بلعمی، ج ۱، ۶۳۷-۶۳۹، ۱۳۷۸.

۹. همان، ۱۴۶، ۱۳۸۹.

۱۰. کریستین سن، ۱۱۰-۱۱۱، ۱۳۸۷؛ هوار، ۱۴۱-۱۴۵، ۱۳۶۳؛ پیرنیا و آشتیانی، ۲۴۰، ۱۳۸۷.

جایی نداشتند.^۱ در نظام طبقاتی ایران مقارن ظهور اسلام، مطربان و آوازخوانان، طبقه‌ای خاص داشتند^۲ که در برخی ادوار، ارتقا می‌یافت^۳ این درحالی بود که تعریف نشدن جایگاه اختصاصی برای دانشمندان در نظام طبقاتی،^۴ ساختار اجتماعی-علمی ایران را با چالش جدی مواجه کرده بود. دبیران که در طبقه سوم بودند^۵ جزء دانشمندان محسوب نمی‌شدند و در رده مستخدمات ادارات^۶ و مجریان دربار بودند، همچنین روحانیون زرتشتی که مدیریت کمی و کیفی نظام علمی را بر عهده داشتند؛ اما به دلیل رکود علمی، سطح فعالیت علمی آن‌ها به تعلیم نوشتن، تیراندازی، فقه و شکار محدود بود و از آنجا که به شخص مطلع به موارد مذکور، دانشمند اطلاق نمی‌شد؛ لذا روحانیون زرتشتی که در طبقه اول حضور داشتند در شمار دانشمندان نبودند. در نتیجه به نظر می‌رسد با توجه به موارد مذکور و همچنین عدم تألیف کتاب در طول تاریخ ساسانیان، جایی برای دانشمندان در نظام طبقاتی ساسانیان و بالطبع در جامعه ایرانی وجود نداشت. رویکرد مذکور موجب تضعیف مراکز علمی، جایگاه علم و عالمان شد و نظام علمی ایران با سابقه‌ای مثبت، رو به انحطاط رفت و مردم همانند گذشته، به صورت حرکتی جنبشی، به فکر دانش نبودند و به شغل خویش اشتغال داشتند.^۷

از ابزارهای انتقال مفاهیم علمی، خط و زبان است. ایرانیان از هفت خط استفاده می‌کردند^۸ باین حال خط پهلوی و زبان پهلوی میان آن‌ها مرسوم بود،^۹ به طوری که تا پنج قرن پس از ورود اسلام، از آن استفاده می‌شد.^{۱۰} لذا به نظر می‌رسد متون علمی و فلسفی فارسی که به عربی ترجمه شده‌اند^{۱۱} در پنج قرن مذکور نوشته، و پس از آن به عربی ترجمه

۱. مسعودی، ج ۱، ۲۳۹، ۱۳۷۴.

۲. همان، ۲۴۰، ۱۳۷۴.

۳. همان.

۴. کریستین سن، ۱۱۰-۱۱۴، ۱۳۸۷.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان، ۴۰۴، ۱۳۸۷.

۸. مسعودی، ۱۰۰، ۱۳۸۹.

۹. پیرنیا، ۲۵۹، ۱۳۹۳.

۱۰. همان، ۲۶۰.

۱۱. بارتولومه، ۳۳، ۱۳۳۷.

شده‌اند. ازسوی دیگر، خط پهلوی از عجیب‌ترین و مشکل‌ترین خط‌ها در خواندن و نوشتن بود^۱ و به‌قدری مشکل می‌نمود که ضبط علوم با آن خط بسیار دشوار و استفاده و ترجمه از آن خط، دشوارتر بود.^۲ ازاین‌رو، کتب علمی پهلوی زیاد نبود^۳ و در نهضت ترجمه بیشتر از کتب علمی و فلسفی یونانی و هندی استفاده می‌شد.^۴

از دیگر مشکلات ساختاری در حوزه خط و زبان، استفاده از کتابت هوزوارش یا زوارش بود. برطبق آن، ایرانیان در تحریر از لغات آرامی استفاده می‌کردند و موقع خواندن به‌جای آن لغات (آرامی)، لغات پهلوی می‌گذاشتند؛ برای مثال ملکا را که به زبان آرامی به معنای شاه است می‌نوشتند، ولی شاه می‌خواندند.^۵

عدم توجه ساسانیان به تربیت دانشمندان و عالمان، منجر به واردات پزشک،^۶ ترزبان (مترجم) و مشاور از مناطق عرب‌نشین^۷ شده بود، لذا اکثر قریب به اتفاق پزشکان دربار ایران، مسیحی بودند.^۸ از پیامدهای حضور آنان در ایران، تحقق برخی فعالیت‌های علمی با منشأ غیرایرانی بود.^۹ حتی در هنر و معماری، صنعتگران بیزانسی فعال بودند و نشانه‌های بنایان یونانی بر بناهای شاپور اول، در استقرارگاهش در نیشابور بر حضور چنین کارگرانی مهر تأیید می‌زند. ازسوی دیگر، فرزندان و نوادگان صنعتگران و بازرگانان اخراجی در طول قرون بعد، گهگاه به مناصب نسبتاً مهم در دربار دست می‌یافتند.^{۱۰} باین‌حال ساسانیان از حضور دانشمندان پناهنده به ایران، استفاده نمی‌کردند و باعث

۱. کریستن سن، ۹۴، ۱۳۷۴.
۲. بهار، ج ۱، ۱۵۸، ۱۳۷۵.
۳. همان.
۴. همان.
۵. پیرنیا، ۲۶۲، ۱۳۹۳.
۶. مسکویه، ج ۱، ۱۴۲، ۱۳۸۹.
۷. همان، ۲۱۰، ۱۳۸۹.
۸. بیکرمان و دیگران، ج ۳، ۹۵، ۱۳۸۹.
۹. باهنر و هاشمی، ۶۴، بی‌تا.
۱۰. بیکرمان و دیگران، ج ۳، ۹۵، ۱۳۸۹.

طرد آن‌ها می‌شدند.^۱ علت بازگشت دانشمندان پناهنده به ایران، سنگ‌دلی، ستمگری، شهوت‌پرستی بیرون از حساب و اوضاع نامطلوب داخلی و خانوادگی ساسانیان بود.^۲ تعلیمات به‌طور کلی اعم از ابتدایی تا عالی از سوی ساسانیان به روحانیون زرتشتی واگذار و در انحصار روحانیون زرتشتی بود^۳ و کسی اجازه دخالت در آن را نداشت.^۴ از سوی دیگر، تحصیل در نظام آموزشی ساسانیان، مختص درباریان و طبقه اشراف بود.^۵ بالطبع همه مردم ایران به استثنای موبدزادگان و نجیب‌زادگان، از تحصیل محروم و موفق به سوادآموزی نمی‌شدند.^۶ توصیه خسرو اول (که به گفته برخی، شکاک و شیاد بود) در کارنامه معروف خویش^۷ بر انحصار آموزش^۸ و کاربرد آن در حیات اجتماعی دوره ساسانیان^۹ در کنار پاسخ منفی خسرو دوم به درخواست بزرگان، جهت تعلیم فرزندش در قبال پرداخت همه هزینه‌های دولت ساسانیان در حوزه نظامی (به‌صورت قرضه)^{۱۰} در راستای انحصار آموزش، تفسیر می‌شود. تمام افراد و حتی کسانی که سعی کرده‌اند به عظمت و شکوه تمدن ساسانیان اشاره کنند به این نقص بزرگ در آن روزگار اعتراف کرده‌اند.^{۱۱} نتیجه اینکه عامه مردم ایران قبل از اسلام، بی‌سواد^{۱۲} و به این بی‌سوادی خرسند بودند.^{۱۳}

عدم توجه به تأسیس و توسعه مراکز و مکان‌های علمی-آموزشی در ایران مقارن ظهور اسلام، نظام علمی ایران را در رکود قرار داده بود. برخی گزارش‌ها و تحقیق‌ها بر جایگاه علمی جندی شاپور تأکید دارد. لیکن به نظر می‌رسد، جندی شاپور که از بزرگ‌ترین

۱. کریستین سن، ۴۱۵، ۱۳۸۷؛ زرین‌کوب، ۲۶۳، ۱۳۷۸.

۲. همان، ۱۵۹، ۱۳۷۴؛ زرین‌کوب، ۲۶۴، ۱۳۷۸.

۳. همان، ۱۳۳، ۱۳۸۷؛ فرای، ۳۴۳، ۱۳۶۸؛ زرین‌کوب، ج ۱، ۴۳۰، ۱۳۹۲.

۴. همان، ۹۳، ۱۳۷۴.

۵. ویسهوفر، ۲۶۳، ۱۳۸۰؛ الهامی، ش ۸، ۶۰، ۱۳۵۴.

۶. الهامی، ش ۸، ۶۰، ۱۳۵۴.

۷. ویسهوفر، گفته‌های آگاتیاس، مورخ بیزانسی را نیز ذکر کرده است (ویسهوفر، یوزف، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ص ۲۶۳-۲۶۴).

۸. همان، ۲۶۳، ۱۳۸۰.

۹. بارتولومه، ۴۲، ۱۳۳۷.

۱۰. مطهری، ۲۴۷-۲۴۸، ۱۳۵۷؛ فردوسی، ج ۲، ۱۵۹۱-۱۵۹۲، ۱۳۸۶.

۱۱. یوسفی غروی، ج ۱، ۱۳۸، ۱۳۸۱.

۱۲. کریستین سن، ۴۰۴، ۱۳۸۷؛ یوسفی غروی، ج ۱، ۱۳۸، ۱۳۸۱.

۱۳. دوارنت، ج ۱، ۴۱۴، ۱۳۸۱.

زندانی‌های امنیتی-سیاسی ساسانیان بود، دو کارکرد داشت: برخورد سخت با افکار جدید و اقلیت‌های مذهبی^۱ و نگهداری مخالفان ساسانیان به‌عنوان زندانی. لذا همه ساکنان آن از اسرا بودند^۲ که شامل مجرمین سیاسی-امنیتی،^۳ مجرمین مذهبی^۴ و اسرای رومی^۵ و مسیحی^۶ می‌شد. انوش زاد (فرزند خسرو اول)^۷ و هفت دانشمند یونانی^۸ از آن جمله‌اند. از این‌رو، در کنار پذیرش فعالیت‌های علمی محدود در جندی شاپور از سوی دانشمندان مسیحی و غیرمسیحی، باید گفت فضای غالب در آن، خشونت‌های حداکثری علیه اقلیت‌های مذهبی و زندانیان سیاسی بوده است.

انحرافات ساختاری دیگر عبارت بود از: سوزاندن و نابودی منابع مکتوب^۹ به‌وسیله ساسانیان^{۱۰} و روحانیون^{۱۱} زرتشتی،^{۱۲} منع تأمل و مباحثه درباره ادیان^{۱۳} از سوی ساسانیان در کنار قتل‌عام مذهبی گسترده نظیر قتل‌عام هشتاد هزار مزدکی به‌وسیله خسرو اول^{۱۴} که منجر به ملقب شدن وی به «عادل» گردید،^{۱۵} تحقیق خردمندان و دانشمندان در دوره ساسانیان،^{۱۶} نبود آزادی بیان^{۱۷} که منجر به حذف معنوی نخبگان شد و از این‌رو مراکز

۱. یعقوبی، ج ۱، ۱۹۹، ۱۳۸۷؛ مسکویه، ج ۱، ۱۳۵، ۱۳۸۹؛ طبری، ج ۲، ۵۹۶، ۱۳۶۲؛ پیرنیا و آشتیانی، ۲۴۹، ۱۳۸۷.
۲. فرای، ۴۷۷، ۱۳۸۰.
۳. زرین‌کوب، ۲۳۷، ۱۳۷۸؛ زرین‌کوب، ۲۲۵، ۱۳۷۵.
۴. زرین‌کوب، ۲۲۵، ۱۳۷۵.
۵. پیرنیا و آشتیانی، ۲۵۷، ۱۳۸۷؛ مشکور، ۳۹۳، ۱۳۶۹.
۶. دینوری، ۷۳، ۱۳۹۰؛ یعقوبی، ج ۱، ۱۹۵، ۱۳۸۷؛ کریستین سن، ۶۸، ۱۳۷۴؛ زرین‌کوب، ۱۹۵، ۱۳۷۸.
۷. همان، ۹۸، ۱۳۹۰.
۸. زرین‌کوب، ۲۶۳، ۱۳۷۸.
۹. گیرشمن، ۳۶۳، ۱۳۸۸.
۱۰. لذا اتهامی که در زمان ورود اسلام به ایران، در حوزه کتاب‌سوزی ادعا شده، در دوره ساسانیان صورت می‌گرفت. رک: شهزادی، رستم، قانون مدنی زرتشتیان گفتاری درباره کتاب مانیکان هزار دانستان، ص ۳۵-۳۷ و ۴۰؛ شهزادی، رستم، قانون (قوانین) مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان، ص ۲۳.
۱۱. کریستین سن، ۴۲۲ و ۴۲۳، ۱۳۸۷.
۱۲. کریستین سن می‌نویسد: روحانیون زرتشتی که در پایان پادشاهی ساسانیان، دریافتند آیین زرتشت تحریف شده، به کلی میان‌تهی و بی‌مغز گردیده و قدرت مقابله با معارف بلند اسلامی را نداشتند، به اصلاح برخی متون و نابودی برخی دیگر اقدام نمودند (کریستین سن، آرتور امانوتل، ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۲۲-۴۲۳).
۱۳. مسعودی، ج ۱، ۲۵۸، ۱۳۷۴.
۱۴. همان.
۱۵. یوسفی غروی، ج ۱، ۱۳۹، ۱۳۸۱.
۱۶. فردوسی، ج ۲، ۱۲۸۲، ۱۳۸۶.
۱۷. پیرنیا و آشتیانی، ۲۳۹، ۱۳۷۰.

تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، از پتانسیل نخبگان ایرانی محروم بود. اگر به صورت اتفاقی، مجلسی برای مشورت‌خواهی برگزار می‌شد، صرفاً جهت اعلام هیمنه ساسانیان به مردم بود.^۱ عدم اتفاق نظر در امری با ساسانیان، گاهی منجر به کشته شدن فرد می‌شد؛ زیرا از نظر آن‌ها، وی اهریمنی بود که باید پوست از تن و سر از بدنش جدا می‌شد؛^۲ نظیر مانی،^۳ قتل عام و حذف فیزیکی دانشمندان^۴ و دبیران^۵ که هم‌مرتب‌ه وزرا^۶ و سیاست‌مداران حقیقی و مقربان پادشاه^۷ بودند^۸ و وزرایی نظیر سوخرا که عالمی دانا در حوزه کشورداری و مملکت‌داری بود و مردم نیز به او علاقه داشتند که قباد اول او را به قتل رساند^۹ و خسرو اول، مهبود را^{۱۰} و خسرو دوم، بوزجمهر^{۱۱} را کشت.^{۱۲}

در کنار انحرافات ساختاری در نظام علمی-آموزشی، انحرافات معرفت‌شناختی نیز وجود داشت. دور شدن ساسانیان از فضای علمی و آموزشی، باعث گرویدن افراطی آن‌ها به رمالی، جادوگری، اخترشناسی و جن‌گیری شد؛ نظیر خسرو اول^{۱۳} و خسرو دوم.^{۱۴} نگرش مذکور اولاً باعث شد تا رویکرد غیرعلمی جادوگری و... میان مردم به امری رایج مبدل شود^{۱۵} و ثانیاً تردید پادشاهان ساسانی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌گیری‌های فاقد منطق و عقلانیت از سوی آنان را^{۱۶} رهنمون شد. استفاده از برخی روش‌های نامعقول در

۱. پیرنیا و آشتیانی، ۲۳۹، ۱۳۷۰.

۲. فردوسی، ج ۲، ۱۴۹۵، ۱۳۸۶.

۳. یعقوبی، ج ۱، ۱۹۷-۱۹۸، ۱۳۸۷.

۴. پیگولفسکایا، ۹۲، ۱۳۹۱.

۵. کریستین سن، ۱۴، ۱۳۸۷.

۶. همان، ۱۴۶.

۷. همان، ۱۴۵.

۸. مسکویه، ج ۱، ۱۳۸۹، ۱۷۴، طبری، ج ۲، ۷۰۲، ۱۳۶۲؛ پیرنیا و آشتیانی، ۲۳۹، ۱۳۸۷؛ مشکور، ۴۴۰-۴۴۱، ۱۳۶۹.

۹. دینوری، ۹۳، ۱۳۹۰؛ مسکویه، ج ۱، ۱۶۱ و ۱۶۲، ۱۳۸۹؛ طبری، ج ۲، ۶۳۹، ۱۳۶۲.

۱۰. زرین کوب، ۲۳۷، ۱۳۷۸.

۱۱. پیرنیا، ۲۱۲، ۱۳۹۳.

۱۲. همان، ۲۱۱-۲۱۲، ۱۳۹۳.

۱۳. زرین کوب، ۲۶۵، ۱۳۷۸.

۱۴. طبری، ج ۲، ۷۴۱، ۱۳۶۲.

۱۵. فرای، ۳۷۸، ۱۳۶۸.

۱۶. زرین کوب، ۲۵۰، ۱۳۷۸.

کشف حقیقت^۱ و اثبات مجرمیت^۲ افزودن به متن کتاب مقدس از سوی ساسانیان^۳، فاصله‌گیری از نظام معرفتی الهی و تحریف دین زرتشت^۴، تأثیرپذیری از زبان یونانی^۵ و فرهنگ غیربومی^۶، تأکید بر تحریف گزارش‌های تاریخی از سوی ساسانیان^۷ و قانونی شدن ممنوعیت مباحثات فلسفی و دینی که الزام در رعایت آن برای ایرانیان، امری ضروری و واجب بود^۸ که منجر به رکود بیش از پیش نظام علمی و آموزشی شد.

از مهم‌ترین عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی رخوت علمی و توقف مذکور، نگرش‌های مادی‌انگارانه ساسانیان و انحراف در ساختارها و نظام معرفتی علمی-آموزشی و صنایع و فنون ارزیابی می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد بر نظام علمی-آموزشی ایران دوره ساسانیان، ایستایی و رکود حاکم بود. نتیجه اینکه ساسانیان، در کنار استفاده حداقلی از مؤلفه‌های علمی-آموزشی، بُرد معرفتی و ساختاری نظام علمی و آموزشی ایران را با کاستی‌های مذکور به شدت تقلیل دادند. مهم‌ترین پیامدهای تضعیف نظام علمی-آموزشی در ایران عبارت بود از: ۱. عدم تقویت زیرساخت‌ها، منابع و مراکز علمی و بالطبع رکود آن؛ ۲. تضعیف آموزش و سواد اجتماعی؛ ۳. تقلیل حیات تعقلی و فلسفی؛ ۴. انحصارطلبی علمی؛ ۵. گسترش بی‌سوادی و عدم بروز استعداد ایرانیان در حوزه علمی-آموزشی.

۲. صنایع، معماری و فنون

تأسیس، کاربست و ترویج کمی و کیفی علوم از طریق آموزش، گسترش و توسعه صنایع و فنون حاصل می‌شود. لذا از ارکان غیرقابل منفک کاربردی علوم، معماری، فنون و صنایع است. علی‌رغم حیات طولانی مدت پادشاهی ساسانیان، آثار معماری زیادی از این دوره

۱. مسکویه، ج ۱، ۱۹۷-۱۹۸، ۱۳۸۹.

۲. پیرنیا و آشتیانی، ۲۴۹، ۱۳۸۷.

۳. کریستین سن، ۱۵۱، ۱۳۸۷.

۴. دینوری، ۱۰۳-۱۰۶، ۱۳۹۰؛ یعقوبی، ج ۱، ۲۰۴، ۱۳۸۷؛ بارتولومه، ۲۲، ۱۳۳۷.

۵. کریستین سن، ۶۲ و ۶۵ و ۱۰۴، ۱۳۸۷؛ هوار، ۱۲۴، ۱۳۶۳.

۶. لوکونین، ۶۵، ۱۳۹۳؛ شهزادی، ۱۶-۱۸، ۱۳۸۶؛ بیات، ۳۳۰-۳۳۱، ۱۳۶۷.

۷. زرین‌کوب، ج ۱، ۴۲۷، ۱۳۹۲.

۸. ویسهوفر، ۲۶۴-۲۶۵، ۱۳۸۰؛ پیرنیا و آشتیانی، ۲۳۸، ۱۳۸۷.

برجای نمانده^۱ یا اینکه از ابتدا وجود نداشته است. در این بخش به دو موضوع «فعالیت‌ها در حوزه فنون معماری و صنایع» و «کاستی و ضعف‌های حوزه مذکور» پرداخته شده است.

۲.۱. فعالیت‌ها در حوزه معماری، فنون و صنایع

با وجود برخی مشکلات که در حوزه علمی-آموزشی، معماری، فنون و صنایع در ایران تا حدودی فعال بود، هنر معماری^۲ نسبت به مجسمه‌سازی و نقاشی در درجه اول قرار داشت.^۳ مهم‌ترین کار معماران، ساخت کاخ‌ها بود.^۴ حضور صنعتگران در نظام طبقاتی^۵ علاقه به ایجاد ابنیه نظیر ساخت قصر شیرین و ایوان کسری^۶ جمع‌آوری عجایب^۷، تجمیع عتیقه‌جات در خزانه دربار^۸ و ساخت بناهای عظیم، رشد معماری، مجسمه‌سازی و نقش‌های برجسته روی دیوارها و کوه‌ها^۹ ساخت شهرها^{۱۰} و دیوار گرگان^{۱۱}، قنات،

۱. زالی، ۲، ۱۳۹۴.

۲. گونه‌شناسی بناهای عصر ساسانیان عبارت است از: بناهای مذهبی، کاخ‌ها، مناطق مسکونی، قلاع و استحکامات نظامی، پل‌ها و تأسیسات آبیاری و برج‌های یادمانی (زالی، مهدی، تأثیر معماری ساسانی بر اجزا و فرم معماری ایرانی اسلامی، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، ص ۵۰۲).

۳. مشکور، ۱۱۲، بی‌تا.

۴. زالی، ۳، ۱۳۹۴.

۵. کریستین سن، ۱۱۰، ۱۳۸۷؛ زرین‌کوب، ج ۱، ۵۰۳، ۱۳۹۲.

۶. زرین‌کوب، ۲۷۰، ۱۳۷۸.

۷. همان، ۲۵۰ و ۲۷۰.

۸. همان، ۲۵۰.

۹. گوانتوسکی، ۱۷۵-۱۷۶، ۱۳۵۹.

۱۰. مسعودی، ج ۱، ۲۴۳، ۱۳۷۴؛ دریایی، ۳۷-۴۰، ۱۳۸۸.

۱۱. درخصوص زمان ساخت دیوار گرگان، اختلاف هست. قدیمی‌ترین منبع که به دیوار گرگان اشاره کرده، فتوح البلدان بلاذری است که زمان ساخت آن را بیان نکرده (بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۲۸۱-۲۸۲). طبری به صورت غیرمستقیم، به دیوار مذکور در عصر قبل از ساسانیان اشاره دارد (طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، مترجم: ابوالقاسم پاینده، ج ۲، ص ۴۸۱). تا کنون بیش از ۵۰ تاریخ برای زمان ساخت این دیوار از سوی مورخین مطرح شده که بازه زمانی ده هزار سال قبل تا اوایل دوره اسلامی را شامل می‌شود. لکن نظر اکثر محققان بر این است که دیوار مذکور، حدود قرن ۲ ق م احداث شده است (فتاحی و دیگران، دیوار بزرگ گرگان؛ سنیایی به روش رخشانی بخشی از دیوار، ژئوفیزیک ایران، شماره ۳، ص ۵۰). در همین راستا، برخی مورخان، ساخت آن را به دوره خسرو اول یا اواخر دوره ساسانیان منسوب می‌کنند (یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، مترجم: علی تقی منزوی، ج ۱، ص ۳۸۷؛ نوکنده و دیگران، مقدمه‌ای بر زمین باستان‌شناسی دیوار بزرگ گرگان، نخستین همایش ملی دو سالانه زمین‌شناسی کوهزاد البرز و دریای خزر) و برخی به دوره اشکانیان گفته شده که کشمکش‌های عصر انوشیروان در شمال شرق ایران، موجب شده برخی از مورخان و محققان گمان برند که دیوار گرگان در زمان وی ساخته شده است (معطوفی، گرگان و استرآباد، ص ۱۵۴ و ۱۶۴).

آسیاب^۱ و آب‌بند،^۲ با توضیحی که در ادامه می‌آید، از فعالیت‌های غیرمستقیم ساسانیان در حوزه مذکور بود.^۳

۲.۲. کاستی‌ها و ضعف‌ها

قرار گرفتن صنعتگران (= هؤخشان) در پایین‌ترین طبقه نظام طبقاتی^۴ منجر به بروز و تحمل مشکلات اجتماعی و اقتصادی شدید از سوی صنعتگران شده بود.^۵ نگاه حداکثری به بیرون و توجه نکردن ساسانیان به ظرفیت‌های داخلی در حوزه فنون، معماری و صنایع، منجر به ضعف آن‌ها و استفاده حداکثری از مهندسان خارجی شده بود. لذا از اسیران رومی در پل‌سازی استفاده می‌کردند^۶ به طوری که از بیست پل و سد معروف ایران دوره قبل اسلام، بیشتر آن‌ها را اسیران رومی ساخته‌اند.^۷ همچنین تأسیسات آبیاری^۸ و کاشت زیتون^۹ و ساخت بناها در شهرهای ایران^{۱۰} بر عهده آنان بود. از این رو منجر به خدشه‌دار شدن هویت ملی و کاهش بُرد تمدن ایرانی شد.

کارگران و کشاورزان در زمان ساسانیان از هرگونه حقوقی، محروم و در نهایت سختی و بیچارگی زندگی می‌کردند و باید بار اشراف و ثروتمندان را هم به دوش می‌کشیدند. بسیاری از کشاورزان و طبقات پایین‌تر اجتماع، کارهایشان را رها و به صومعه‌ها، دیرها و کنیسه‌ها پناه می‌بردند تا از پرداخت مالیات‌های سنگین و باج و خراج راحت شوند. در آن روزگار، تعداد کمی از مردم ایران که کمتر از یک‌ونیم درصد جامعه ایرانی را تشکیل می‌دادند از همه چیز بهره‌مند بودند؛ اما بیشتر از ۹۸ درصد مردم به‌مثابه بردگان بوده و از

۱. ابن العبری، ۱۳۹، ۱۳۷۷؛ ابن خلدون، ج ۱، ۵۷۰.

۲. بلاذری، ۴۴۴، ۱۳۳۷.

۳. برای اطلاع بیشتر رک: رضاییان، فرزین، ۵۰۰۰ سال مهندسی ایران.

۴. کریستین سن، ۱۱۰، ۱۳۸۷؛ زرین کوب، ج ۲، ۵۰۳، ۱۳۹۲.

۵. زرین کوب، ج ۱، ۵۰۳، ۱۳۹۲.

۶. مسعودی، ج ۱، ۲۵۳، ۱۳۷۴؛ طبری، ج ۲، ۵۸۹-۵۹۰، ۱۳۶۲.

۷. دینوری، ۷۳، ۱۳۹۰؛ یعقوبی، ج ۱، ۱۹۵، ۱۳۸۷؛ ویسهوفر، ۲۰۳، ۱۳۸۰؛ زرین کوب، ۱۹۵، ۱۳۷۸؛ پیرنیا و آشتیانی،

۲۵۷، ۱۳۸۷؛ مشکور، ۳۹۳، ۱۳۶۹.

۸. ویسهوفر، ۲۳۸، ۱۳۸۰.

۹. مسعودی، ج ۱، ۲۵۳، ۱۳۷۴؛ طبری، ج ۲، ۵۸۹-۵۹۰، ۱۳۶۲.

۱۰. بیکرمان و دیگران، ج ۳، ۹۵، ۱۳۸۹؛ فرای، ۳۴۳، ۱۳۶۸؛ زرین کوب، ج ۱، ۴۳۰، ۱۳۹۲.

کمترین حقوق اجتماعی محروم بودند.^۱ ساسانیان با تکیه بر خارج و تحقیر و ظلم به طبقه کشاورز و صنعتگر، مرتکب خطایی راهبردی در حوزه فرهنگ و علوم شدند. فشارهای اقتصادی و فرهنگی ساسانیان علیه کشاورزان و صنعتگران منجر به تخریب بیشتر صنعت کشاورزی و دیگر صنایع در ایران شد. تبعیدهای اجباری طوایف و اسیران جنگی^۲ در راستای حل مقطعی مشکل مذکور بود که به صورت مقطعی، مفید و در درازمدت ضررهای بسیار بر پیکره صنعت و کشاورزی وارد آورد. در نهایت، کثرت ظلم و جور در ایران از سوی ساسانیان، سبب انحطاط صنایع در ایران شد.^۳

رویکرد ساسانیان به عیش و نوش و لهو و لعب، حداکثری بود. اهدا^۴ و واردات^۵ رفاصه‌ها، تعریف جایگاه اختصاصی برای مطربان و رفاصه‌ها در نظام طبقاتی، که گاهی اوقات ارتقا می‌یافت،^۶ و استفاده از موسیقی به صورت تصاعدی^۷ از پیامدهای رویکرد مذکور بود. لذا ساسانیان در کاربست علوم، به لهو و لعب و ضروریات منجر به شکل‌گیری رفتارهای منفی^۸ اکتفا می‌کردند.

۳. تحلیل و ارزیابی

علامه طباطبائی (م ۱۳۶۰ ش) در خصوص وضعیت غیر جزیره العرب منتهی به ظهور اسلام می‌نویسد:

قرآن کریم درباره اقوام دیگر از قبیل: روم، فرس، حبشه، هند و دیگران (مناطق و اقوام دیگر) که پیرامون عرب زندگی می‌کردند، سخنی جز به طور اجمال ندارد؛ اما اهل کتاب یعنی یهود و نصارا و آن‌ها که ملحق به اهل کتاب هستند، آن روز در مناطق نام‌برده زندگی می‌کردند. اجتماعاتشان بر مبنای قانون اداره نمی‌شد، بلکه بر محور خواسته‌های مستبدانه فردی دور می‌زد، افرادی

۱. یوسفی غروی، ج ۱، ۱۳۷-۱۳۸، ۱۳۸۱.

۲. پیرنیا، ۲۴۰-۲۴۱، ۱۳۹۳؛ زرین کوب، ج ۱، ۵۰۵، ۱۳۹۲.

۳. همان، ۲۲۲، ۱۳۹۳.

۴. زرین کوب، ۲۷۴، ۱۳۷۸.

۵. پیرنیا، ۱۹۶، ۱۳۹۳.

۶. مسعودی، ج ۱، ۲۴۰-۲۳۹، ۱۳۷۴.

۷. زرین کوب، ۲۷۳-۲۷۵، ۱۳۷۸؛ نفیسی، ۶۱-۶۲، ۱۳۱۴.

۸. بارتولومه، ۴۲، ۱۳۳۷.

به‌عنوان پادشاه، رئیس، حاکم و عامل بر آنان حکمرانی می‌کردند. در نتیجه می‌توان گفت که اهل کتاب در آن روزگاران به دو طبقه حاکم و محکوم تقسیم می‌شدند. طبقه حاکمی که فعال ما پشاه بود و با جان و مال و عرض مردم بازی می‌کرد و طبقه محکومی که قید بردگی طبقه حاکم را به گردن انداخته و در برابر او تن به ذلت داده بود، نه در مال خود امنیتی داشت و نه در ناموشش و نه حتی در جاننش و در اراده‌اش. از هیچ آزادی‌ای برخوردار نبود، نمی‌توانست چیزی بخواهد مگر آنچه را که ما فوقش اجازه دهد.^۱

ایران و نظام پادشاهی ساسانیان از جمله اقوام و حاکمان آن زمان بودند که با رویکرد مذکور، استمرار حیات می‌دادند. لذا نظام علمی-آموزشی و فنون و صنایع نظیر دیگر نظام‌ها، دچار آسیب شده، و ظهور معیارهای غیرعقلایی را منجر شده بود.

انحصارگرایی علمی-آموزشی از سوی ساسانیان در سه ساحت صورت می‌گرفت: ساحت معرفتی که در سه حوزه قابل ارزیابی است: اول. در حوزه معارفی که از معلم به متعلم منتقل می‌شد که در تعلیم چهار ضلعی منحصر بود؛ دوم. انحصارگرایی در حوزه معلم به این صورت که معلمان در همه سطوح باید از روحانیون زرتشتی می‌بودند؛ سوم. انحصارگرایی در حوزه متعلم و دانش‌پژوه. در ساحت انسان‌شناسی، ساسانیان خود را خداوندگار ایران^۲ و جانشینان خدا روی زمین^۳ و از نژاد خدا، شخصیتی ربانی^۴ و انسان‌های خداگونه و مادی معرفی می‌کردند.^۵ ساسانیان با ایجاد انحراف مذکور، خود را قیم مردم ایران می‌دانستند، لذا برای بدنه اجتماعی مردم ایران در حوزه‌های مختلف، تصمیم‌گیری می‌کردند. تأسیس نظام طبقاتی^۶ و تأکید بر حفظ^۷ و آموزش آن از سوی ساسانیان^۸ و کنار گذاردن دانشمندان، در راستای رویکرد انسان‌شناسی انحرافی آن‌ها و تأکید بر آن صورت گرفت. ساسانیان که هیچ اعتقادی به رشد مادی و معنوی مردم

۱. طباطبائی، ج ۴، ۲۴۳، بی‌تا.

۲. زرین‌کوب، ج ۱، ۴۳۷، ۱۳۹۲.

۳. دینوری، ۱۰۳-۱۰۶، ۱۳۹۰؛ یعقوبی، ج ۱، ۲۰۴، ۱۳۸۷؛ مسکویه، ج ۱، ۱۹۳، ۱۳۸۹.

۴. زرین‌کوب، ج ۱، ۵۰۰، ۱۳۹۲؛ باهنر و هاشمی، ۳۶، بی‌تا.

۵. ویسهوفر، ۲۰۷-۲۰۸، ۱۳۸۰.

۶. مسعودی، ج ۱، ۲۳۸-۲۳۹، ۱۳۷۴.

۷. مسکویه، ج ۱، ۱۲۱-۱۲۲، ۱۳۸۹؛ کریستین سن، ۱۱۲، ۱۳۸۷.

۸. دریایی، ۹۳، بی‌تا.

نداشتند، معتقد بودند شخص والامقام نباید بینوا شود و فرد فقیر یا فردی که از خون و نژاد غیر برتر بود، نباید به نوا برسد.^۱

عجیب آنکه برخی، از نظام طبقاتی مذکور در دوره ساسانیان تجلیل و آن را نمودی از فرهنگ و تمدن آن دوره برمی‌شمارند.^۲ ساسانیان در ساحت هستی‌شناسی، بر جهان مادی تأکید فراوان داشتند، لذا با تحریف رویکرد دو ساحتی (اعتقاد به جهان مادی و جهان آخرت)، نگرش تک‌ساحتی را در ایران تقویت می‌کردند. انحراف‌های عمیق ساسانیان در حوزه هستی‌شناسانه باعث شد زندگی خود را به جنگ و شراب و شکار محدود کنند و غیر از آن به چیز دیگر نیندیشند. از این رو، ساعات عمر خویش را به دو قسم مساوی تقسیم کرده بودند: قسمت اول را به جنگ و خون‌ریزی و شکار و قسمت دوم را به تن‌آسایی اختصاص داده بودند^۳ و به امور دیگر از جمله علوم و آموزش، اهمیتی نمی‌دادند.^۴

برخی کتب فهارس،^۵ لیست اسامی کتاب‌های به زبان پهلوی را که در قرن چهارم موجود بوده، ذکر کردند.^۶ لیکن وجود کتاب‌هایی به زبان پهلوی، در قرن چهارم، دلیل بر توسعه نظام علمی-آموزشی ایران دوره ساسانیان نیست؛ زیرا اولاً زبان پهلوی تا قرن سوم در ایران متداول بود^۷ و تا قرن پنجم استفاده می‌شد؛^۸ ثانیاً رویکرد پادشاهان ساسانی در حوزه تولید علم، با توجه به مطالب مذکور مثبت نبود؛ ثالثاً تمام همت نظام پادشاهی، متوجه برپا ساختن کاخ‌ها بود و دیگر وقت و نیرویی برای کاری جز جنگ و کشتار نداشتند؛^۹ رابعاً کتب مذکور اغلب ترجمه بودند و نه تولیدی، لذا در نهضت ترجمه، مترجمان که برخی ایرانی بودند ترجیح می‌دادند به جای ترجمه کتب از زبان پهلوی ساسانی به عربی، اصل کتاب را ترجمه کنند. البته شاید بتوان قائل شد کتب مرتبط با

۱. کریستین سن، ۱۱۲، ۱۳۸۷.

۲. بیات، ۱۵۴، ۱۳۶۳.

۳. کریستین سن، ۱۶۰، ۱۳۷۴؛ پیرنیا و آشتیانی، ۲۴۳، ۱۳۸۷.

۴. برای اطلاع از وضعیت نابسامان حیات مادی آن‌ها رک: بررسی نموده‌های فرهنگ جاهلی در عرصه زن و خانواده در ایران مقارن ظهور اسلام، شماره ۴۴، ص ۹۴-۹۷.

۵. نظیر کتاب الفهرست ابن‌ندیم (پیرنیا، حسن، ایران قدیم، ص ۲۶۱).

۶. پیرنیا، ۲۶۱، ۱۳۹۳.

۷. لوکونین، ۹، ۱۳۹۳؛ پیرنیا، ۲۶۰، ۱۳۹۳.

۸. همان.

۹. دوارنت، ج ۱، ۴۱۲ و ۴۱۸، ۱۳۸۱.

زمینه‌های سیاسی و اخلاق سیاسی، اصالت ایرانی داشته، لکن حوزه‌های دیگر علمی در غالب ترجمه بوده است.

تأکید بر وجود فرهنگ و تمدن در ایران منتهی به ظهور اسلام^۱، مشابه دانستن آن با رنسانس در غرب^۲، معرفی کردن ایران به‌عنوان قطب علمی و فرهنگی و تمدنی جهانی^۳ حداقل در حوزه علوم و کاربرد آن در بُرد اجتماعی، با توجه به ضعف‌ها و کاستی‌های ذکر شده در بخش نظام علمی-آموزشی و فنون و صنایع، کامل به نظر نمی‌رسد. همچنین ادعای نابودی دانش و فرهنگ ایرانی با ورود اسلام به ایران^۴ با توجه به عدم اثبات وجود تاریخی آن، مطالب مذکور در قسمت کاستی‌ها و ضعف‌ها را صحیح نمی‌نماید. لذا برخی معتقدند که روزگار ایران دوره ساسانی، عصر ابتکار نبود.^۵

برخی بر گزاره‌های علمی پادشاهان ساسانی^۶ نظیر علاقه خسرو اول به علم و فلسفه^۷ تأکید دارند. در بررسی دیدگاه مذکور، بیان چند نکته ضروری است: اولاً فرزندان طبقات مرفه، خواندن و نوشتن را فرامی‌گرفتند، ولی از منابع تاریخی درباره تعلیم اکثریت جامعه ایران، چیزی به دست نمی‌آید،^۸ بلکه گزارش‌های تاریخی، سخن ویل دورانت^۹ را تقویت

۱. جمعی از خاورشناسان، تمدن ایرانی، مترجم: دکتر عیسی بهنام؛ جمعی از خاورشناسان، ایران از نظر خاورشناسان؛ بیات، عزیزالله، کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام؛ بیات، عزیزالله، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، ص ۴۱؛ زرین کوب، عبدالحسین و روزبه، تاریخ ایران باستان؛ شعبانی، رضا، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، ص ۲۰۲ - ۲۲۳؛ سامی، علی، تمدن ساسانی، ج ۱ و ۲؛ رضایی، عبدالعظیم، تاریخ فرهنگ و تمدن ایران؛ بیات، عزیزالله، کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام؛ بیات، عزیزالله، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان (از ماد تا انقراض سلسله پهلوی)، ص ۵۱. در کتاب اخیر ادعا شده: ایرانیان این دوره، از نظر پیشرفت تمدن و علم و دانش بین ملل متمدن آن زمان، اولین مرتبه را دارا بودند (رک: همان). در مقابل، ادعایی دیگر مبنی بر تأثیرپذیری فرهنگ و تمدن ایران قبل اسلام از تمدن یونانی، مطرح شده است (کریستن سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۰۹).

۲. زرین کوب، ۲۵۱ و ۲۷۸، ۱۳۷۸.

۳. بیات، ۵۱، ۱۳۸۱.

۴. بیات، ۲۴۲، ۱۳۶۸.

۵. فرای، ۳۷۱-۳۷۲، ۱۳۶۸.

۶. زرین کوب، ۲۶۳ و ۲۶۵ و ۲۶۶ - ۲۳۸ - ۲۳۹، ۱۳۷۸؛ فردوسی، ج ۲، ۱۶۷۱-۱۸۲۴، ۱۳۸۶؛ مشکور، ۹۶، بی تا؛ بیات، ۲۴۰، ۱۳۶۸.

۷. زرین کوب، ۲۳۸-۲۳۹ و ۲۶۴، ۱۳۷۸.

۸. کریستین سن، ۹۳ و ۹۳، ۱۳۷۴.

۹. دورانت، ج ۱، ۴۱۴، ۱۳۸۱.

می‌کند؛ ثانیاً گزارش‌های تاریخی، بر بی‌سوادی اکثر مردم ایران تأکید دارد؛^۱ ثالثاً جنبه عمومی تعلیم و تعلم، نوعی مذمت برای دربار و سلطنت به شمار می‌آید،^۲ لذا ساسانیان از یک سو بر آموزش طبقات خاص تأکید و از سوی دیگر، به شدت با عمومی شدن آن مقابله می‌کردند.

نتیجه

ایران منتهی به ظهور اسلام در بُعد علمی-آموزشی، صنایع و فنون، نوسان‌های متعددی داشت. در کنار اقداماتی که در زمینه آموزش و علم و همچنین صنایع و معماری انجام می‌شد، کاستی‌ها و ضعف‌هایی نیز وجود داشت که از جمله دلایل آن حاکمیت نظام طبقاتی و منحصر بودن مجریان در این زمینه بوده است. برخی اقدام‌ها و فعالیت‌های علمی و آموزشی در ایران، به صورت محدود از سوی بعضی محققان بدون ذکر سند مطرح است. همچنین در حوزه معماری، صنایع و فنون اقداماتی بیان شده است. شاید این گفته درست باشد که در ایران عصر ساسانی، به نگارش و کتابت علوم توجه نمی‌شد و به فن و مهارت اکتفا می‌شد. در نهایت، با ورود اسلام به ایران و آشنایی ایرانیان با دین اسلام، کاستی‌ها و ضعف‌های موجود، کاهش یافت و ظرفیت محصور شده علمی-آموزشی آنان در تمدن اسلامی آزاد و مورد استفاده حداکثری تمدن اسلامی قرار گرفت. لذا ایران قبل اسلام با ایران بعد اسلام در بُعد علمی-آموزشی و صنایع و فنون، قابل مقایسه نیست.

۱. کریستین سن، ۴۰۴، ۱۳۸۷.

۲. الهامی، ش ۸، ۶۱، ۱۳۵۴.

منابع

- ۱) نهج البلاغه، شریف رضی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۲.
- ۲) ابن العبری، تاریخ مختصر الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، اول: علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۳) ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، اول: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- ۴) اوستا، پژوهش: پورداوود، شانزدهم: مروارید، تهران، ۱۳۹۱.
- ۵) اوستا، گزارش و پژوهش: جلیل دوستخواه، شانزدهم: مروارید، تهران، ۱۳۷۱.
- ۶) آسماسن، جی پی، «معرفی شخصیت: زندگی و آثار کریستین سن»، اخبار ادیان، ترجمه سید حسن آصف، شماره ۱۷، دی و بهمن ۱۳۸۴.
- ۷) بارتولومه، کریستین، زن در حقوق ساسانی، ترجمه و ملحقات: ناصرالدین صاحب الزمانی، مؤسسه مطبوعاتی عطایی تحقیقات خاورشناسان، نشریه شماره ۱، تهران، ۱۳۳۷.
- ۸) باهنر، محمدجواد و اکبر هاشمی، جهان در عصر بعثت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی تا.
- ۹) بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، اول: نقره، تهران، ۱۳۳۷.
- ۱۰) بلعمی، تاریخ نامه طبری، تصحیح و تحشیه: محمد روشن، دوم: سروش، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۱) بهار، محمدتقی، سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، هشتم: امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۲) بیات، عزیزالله، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای های جهان، اول: امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۳) بیات، عزیزالله، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، اول: امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۴) بیات، عزیزالله، کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از پیش از اسلام، سوم: دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۵) بیات، عزیزالله، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، اول: امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.

- ۱۶) بیکرمان و دیگران، تاریخ ایران کیمبریج (ج سوم) قسمت سوم ساسانیان، ترجمه تیمور قادری، ویراستار: احسان یارشاطر، اول: مهتاب، تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۷) پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، ششم: خیام، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۸) پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از مادها تا انقراض قاجاریه، سوم: سمیر، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۹) پیرنیا، حسن، ایران قدیم، سوم: اساطیر، سوم، ۱۳۹۳.
- ۲۰) پیگولفسکایا، نیناویکتورونا، ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی، ترجمه کامبیز میربهاء، اول: ققنوس، تهران، ص ۱۳۹۱.
- ۲۱) تاج‌الدینی، علی، فرهنگ جاودان المیزان (فرهنگ اصطلاحات و تعابیر در آثار علامه طباطبائی)، اول: مهاجر، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲۲) جمعی از خاورشناسان، ایران از نظر از نظر خاورشناسان، ترجمه رضا زاده شفق، سینا، تهران، سینا، ۱۳۳۵.
- ۲۳) خرده اوستا، مترجم و مفسر: موبد اردشیر آذرگشسب، سوم: چاپ راستی، بی‌جا، ۱۳۵۴.
- ۲۴) خسروی، خسرو، مزدک، اول: دنیای نو، تهران، پاییز ۱۳۵۹.
- ۲۵) دریایی، تورج، شهرستان‌های های ایرانشهر، ترجمه شهران جلیلیان، اول: توس، تهران، ۱۳۸۸.
- ۲۶) دریایی، تورج، ناگفته‌های امپراطوری ساسانیان، ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی، هزاره دنیای باستان، بی‌جا، بی‌تا.
- ۲۷) دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن: مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، هشتم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۸) دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، هشتم: نشر نی، تهران، ۱۳۹۰.
- ۲۹) رضایی، عبدالعظیم، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران، دوم: بی‌جا، ۱۳۸۲.
- ۳۰) رضاییان، فرزین، ۵۰۰۰ سال مهندسی ایرانی، اول: گویا، تهران، ۱۳۹۳.

- ۳۱) روایت پهلوی-متنی به زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی، ترجمه مهشید میرفخرایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷.
- ۳۲) زالی، مهدی، تأثیر معماری ساسانی بر اجزاء و فرم معماری ایرانی اسلامی، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.
- ۳۳) زرین کوب، عبدالحسین و روزبه، تاریخ ایران باستان ۴: تاریخ سیاسی ساسانیان، پنجم: سمت، تهران، پاییز ۱۳۸۹.
- ۳۴) زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران، چهاردهم: امیرکبیر، تهران، امیرکبیر، چهاردهم، ۱۳۹۲.
- ۳۵) _____، روزگاران ایران (گذشته باستانی ایران)، دوم: سخن، تهران، ۱۳۷۵.
- ۳۶) _____، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، هفتم: سخن، تهران، ۱۳۷۸.
- ۳۷) ساسان پور، شهرزاد، «قشر بندی اجتماعی ایران در عصر ساسانیان»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۵۰، آبان ۱۳۸۹.
- ۳۸) سامی، علی، تمدن ساسانی، دوم: سمت، تهران، ۱۳۸۹.
- ۳۹) شریفی، احمدحسین، روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی، اول: انتشارات آفتاب توسعه، بی‌جا، ۱۳۹۵.
- ۴۰) شعبانی، رضا، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، قومس، تهران، ۱۳۶۹.
- ۴۱) شهزادی، رستم، قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان (گفتاری درباره کتاب ماتیکان هزار داتستان)، به کوشش مهرانگیز شهزادی، دوم: فروهر، تهران، ۱۳۸۶.
- ۴۲) _____، قانون مدنی زرتشتیان در عهد ساسانی، اول: فروهر، تهران، ۱۳۶۵.
- ۴۳) طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، بی‌تا.
- ۴۴) طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، اساطیر، تهران، ۱۳۶۲.

- (۴۵) فتاحی و دیگران، دیوار بزرگ گرگان؛ سن‌یابی به روش رخشانی بخشی از دیوار، ژئوفیزیک ایران، شماره ۳، ۱۳۹۴، ص ۴۵۹-۵۹۴.
- (۴۶) فرای، ریچارد نلسون، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ویراستار: منوچهر امیری، اول: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- (۴۷) _____، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، سوم: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران، ۱۳۶۸.
- (۴۸) فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، سوم: هرمس، تهران، هرمس، ۱۳۸۶.
- (۴۹) کریستین سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، دوم: نگاه، تهران، ۱۳۸۷.
- (۵۰) _____، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه مجتبی مینویی، دوم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.
- (۵۱) کولسنیکف، ا.ا، ایران در آستانه سقوط ساسانیان، ویراستار: ن.و. پیگولفسکایا، ترجمه محمد رفیق یحیایی، اول: کندوکاو، تهران، ۱۳۸۹.
- (۵۲) گراتوسکی، ادوین آردوویچ، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، اول: پویش، تهران، ۱۳۵۹.
- (۵۳) گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، نوزدهم: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.
- (۵۴) لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ، تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت‌الله رضا، پنجم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۳.
- (۵۵) محمدی اشتهاردی، محمد، رابطه ایران با اسلام و تشیع، اول: برهان، تهران، ۱۳۷۸.
- (۵۶) مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، التنبیه والاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چهارم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹.
- (۵۷) _____، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، دوم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.

- (۵۸) مسکویه الرازی، ابوعلی، تجارب الأمم (آزمون‌های های مردم)، ترجمه ابوالقاسم امامی، دوم: انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۹.
- (۵۹) مشکور، محمدجواد، ایران در عهد باستان، ششم: اشرفی، بی‌جا، ۱۳۶۹.
- (۶۰) _____، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، اشراقی، بی‌تا.
- (۶۱) _____، جغرافیای تاریخی ایران باستان، اول: دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۱.
- (۶۲) _____، خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های های بزرگ، ششم: شرق، تهران، ۱۳۷۷.
- (۶۳) مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، هشتم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌جا، ۱۳۵۷.
- (۶۴) نفیسی، سعید، «آهنگ‌های موسیقی ایران در زمان ساسانیان، هنر و معماری»، مهر، شماره ۲۵، مهر و خرداد ۱۳۱۴.
- (۶۵) نوکنده و دیگران، مقدمه‌ای بر زمین باستان‌شناسی دیوار بزرگ گرگان، نخستین همایش ملی دو سالانه زمین‌شناسی کوهزاد البرز و دریای خزر، ۱۳۹۸.
- (۶۶) نیکنامی، کمال و مریم دژم خوی، «درآمدی بر نظام جنسیت و نابرابری اجتماعی در ایران دوره ساسانی»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره چهارم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- (۶۷) ولایتی، علی‌اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، پنجم: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، پاییز ۱۳۹۰.
- (۶۸) _____، تاریخ ایران پیش از اسلام، اول: امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۱.
- (۶۹) ویسهوفر، یوزف، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ترجمه ثاقب‌فر، چهارم: ققنوس، تهران، ۱۳۸۰.
- (۷۰) هاشمی نژاد، قاسم، کارنامه اردشیر بابکان از متن پهلوی، چهارم: نشر مرکز، قاسم هاشمی نژاد، تهران، ۱۳۹۲.
- (۷۱) الهامی، داوود، فرهنگ طبقاتی در عهد ساسانیان، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۱۶، شماره ۹۵، شهریور ۱۳۵۴، ص ۵۸۶۲-۶۲۵۸.

۷۲) هوار، کلمان، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، اول: امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

۷۳) یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان، ترجمه علی تقی منزوی، اول: سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۰.

۷۴) یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، دهم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.

۷۵) یوسفی غروی، محمدهادی، تاریخ تحقیقی اسلام، مؤسسه امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۳.